«ایران» از تغییر نگاه کشورهای عربی درباره تهران گزارش می دهد

عقلانیت اعراب در دوره شوریدگی «ترامپ»

گزارش

مریم سالاری
روزنامه نگار

پیامی که کشورهای عربی خاورمیانه روز دوشنبه در محکومیت تعرض سرزمینی اسرائیل علیه ایران به جهان مخابره کردند، انعکاس نشانه‌های مثبتی بود که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور تحول‌خواه ایران با طرح اولین مواضع منطقه‌ای خود در استقبال از روابط سیاسی با ریاض و دیگر کشورهای عربی ارسال کرده بود و با تاریخی خواندن تحول رابطه تهران و ریاض از سوی «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی پاسخ گرفت. چرخش از وضعیتی که در آن ایران و بازیگران اثرگذار در غرب آسیا به این اعتقاد رسیده بودند می‌توانند با همکاری یکدیگر امنیت منطقه را تضمین کنند تا شرایطی که در بیش از هفت سال بر روابط ایران و کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی حاکمیت داشته، به نظر چندان آسان نمی‌آمد، اما انتقال قدرت از پادشاه فقید عربستان و اطرافیان ریش‌سپیدش به ملک سلمان که سررشته کشورداری‌اش را به «محمد بن سلمان» ولیعهد جوان خود سپرد در کنار واقعیت‌های بیرونی چون تحول در رویکردی که از سوی ایران بویژه در دولت مسعود پزشکیان در حوزه سیاست منطقه‌ای و همسایگی پدیدار شد، وضعیتی بود که می‌توانست مقدمه این تغییر بزرگ قرار گیرد. هرچند دیگر بسیار تکراری است که گفته شود ماجرای حمله به اماکن دیپلماتیک عربستان در ایران همچون چاشنی انفجاری بمب ساعتی پنهان شده در این رابطه عمل کرد، اما این تنها لایه سطحی تحولاتی بود که زیر پوست آن تعارض اجتناب‌ناپذیر منافع، اختلافات ریشه‌دار ایدئولوژیک و مداخله کشورهای صاحب‌قدرت خارج از منطقه که همواره منافع خود را به‌واسطه فراهم آمدن زمینه رقابت‌های تسلیحاتی و به جیب زدن دلارهای نفتی در تقویت اختلافات و تنش‌های این منطقه یافته بودند، جریان داشت و می‌توانست بالاگرفتن تنش میان ایران و عربستان را سهل و ممتنع کند. با این همه، این ملغمه بویژه در سال‌های اخیر با چند واقعیت سیاسی درون و بیرون از منطقه، افزونه وضعیت پیچیده‌تری یافت؛ واقعیاتی که نقطه عزیمت آن به تجربه حاکمان نوخاسته سعودی و متحدان عربی امریکا از حضور «دونالد ترامپ»، در رأس دولت امریکا در چهار سال نخست ریاست‌جمهوری‌اش بازمی‌گشت که کشورهای عربی را به این گمان مبتلا کرد که رقص شمشیر رئیس‌جمهور بلندپرواز امریکایی در کنار دشداشه‌پوشان و دست گذاشتن او بر گوی بلورین، آغاز دوره‌ای طلایی در بستر رابطه امریکا و پایتخت‌های عربی خواهد بود. اما آنچه بعدها در مسیر این رابطه رخ داد، چیزی بیشتر از قراردادهای چند میلیارد دلاری تسلیحات به کشورهای عربی و قراردادهای ریز و درشت دیگر نبود که بر این رابطه استیلا پیدا کرد. این قرابت که جز اعتماد به نفس بی‌پشتوانه حاصلی برای کشورهای عربی نداشت، تنها به خدمت اجرای پروژه برون‌سپاری سیاست خارجی منطقه‌ای ایالات متحده به تل‌آویو و تلاش برای محقق کردن توافق «آبراهام» و عادی‌سازی رابطه اسرائیل و بازیگران عربی درآمد.

> می‌توان اجلاس دو روز پیش ریاض و رویکرد برآمده از آن در رد جاه‌طلبی‌های جنگ‌طلبانه نتانیاهو در قبال ایران را پیامی به دولت ترامپ دانست؛ جایی که «محمد بن سلمان» در آن اسرائیل را به ارتکاب نسل‌کشی در غزه متهم نمود و حملات اسرائیل به ایران را محکوم کرد و از جامعه جهانی خواست تا اقدامات خصمانه اسرائیل در خاک ایران را متوقف کند

کشورهای عربی در مسیر اتحادهای نوین

با چنین پیشینه‌ای، همان‌قدر که عوامل و دلایل برای بالاگرفتن رقابت میان ایران و کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان به‌عنوان کشور صاحب‌نفوذ منطقه وجود داشت، برخی واقعیت‌ها سبب شد حرکت به سمت گفت‌وگو و حل اختلافات کلید بخورد. نقش پررنگ ایران در ترتیبات سیاسی اتخاذشده برای حل بحران‌های مزمن منطقه از یک‌سو و پیشینه گرفتن هزینه‌های عربستان و کشورهای همپیمانش بر فواید معدودی که از تقابل‌گرایی در برابر ایران نصیب‌شان می‌شد، در کنار تحول در راهبردهای کلان سعودی و برخی دیگر از کشورهای عربی همچون امارات از جمله دلایلی بود که تغییر مسیر کشورهای عربی در مناسبات منطقه‌ای را ضروری ساخت. تنها نگاهی به سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان کافی بود تا فرادستی چشم‌انداز اقتصادی و حرکت این کشور به سمت تبدیل شدن به‌عنوان هاب جهانی تجارت و سرمایه‌گذاری پدیدار شود. از منظر تصمیم‌سازان سعودی تحقق این هدف و گام برداشتن در مسیر جدید توسعه صنعتی که بر پایه کاهش نقش نفت در اقتصاد و همراهی با انقلاب چهارم صنعتی طراحی شده است، نمی‌توانست در بستر ترتیبات امنیتی گذشته و در روند تقابل با ایران و اتکای صرف به همپیمانی با ایالات متحده ممکن شود. برای این مهم، خارج شدن از ائتلاف‌های دست‌وپاگیر و تغییر جهت متناسب با معادلات نوین منطقه و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی بویژه در رابطه با ایران ضروری می‌نمود؛ الگویی که در آن، ایران نه دشمن که می‌توانست رقیبی باشد که ذیل راهبردهای تحول‌خواهانه هر دو کشور جایی برای همسویی در بخش‌های غیرمتعارض با آن باقی بگذارد. شکل‌گیری این روند پس از ورود خاورمیانه به دوره پس از ۷ اکتبر اهمیتی مضاعف پیدا کرد. چراکه ایران و عربستان از دایره تهدید وجودی برای منافع یکدیگر خارج شدند، به حساسیت‌های هم توجه کردند و به دو بازیگر در یک فرآیند دیپلماتیک با هدف مشترک یعنی مدیریت بحران‌های برآمده از تل‌آویو تبدیل شدند. تغییر بارز سیاست خارجی کشورهای منطقه بویژه عربستان و ترجیح به محدود کردن مداخلات نظامی و حرکت به سمت اتحادهای چندقطبی متنوع نیز در چنین فضایی معنادار می‌شود؛ اینکه کشورهای عربی مواجهه‌ای فرآیندی را از قبال اعتنا و پیوستن به اتحادهای نوین در برابر تلاش ایالات متحده آغاز کرده‌اند و به نظر نمی‌رسد زیر سایه سیاست‌های بلندمدت خود در دولت دوم «دونالد ترامپ» نیز از آن دست بکشند.

هرچند هنوز معلوم نیست آیا ترامپ همچنان سعی خواهد کرد شعار «اول امریکا» را همچنان از طریق اتحادهای ناسازگار که پیشتر در قالب‌های امنیتی پیش می‌برد، دنبال کند یا نه، اما آنچه پیداست اینکه او در دولت دوم خود با قاب تازه‌ای از خاورمیانه روبه‌رو خواهد بود. در همین راستا می‌توان اجلاس دو روز پیش ریاض و رویکرد برآمده از آن در رد جاه‌طلبی‌های جنگ‌طلبانه نتانیاهو در قبال ایران را پیامی به دولت ترامپ دانست؛ جایی که «محمد بن سلمان» در آن اسرائیل را به ارتکاب نسل‌کشی در غزه متهم و حملات اسرائیل به ایران را محکوم کرد و از جامعه جهانی خواست تا اقدامات خصمانه اسرائیل در خاک ایران را متوقف کند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد ترامپ در چنین شرایطی امکانی برای برهم زدن روندهای سیاسی و دیپلماتیک اخیر در منطقه که به عادی‌سازی روابط ایران و بسیاری از کشورهای عربی انجامیده است، داشته باشد و قادر باشد منطقه را بار دیگر وارد وضعیت رقابت و خصومت با ایران کند.

روی گشاده دیپلماسی مبتکرانه تهران

در چنین فضایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همزمان از فرصت تغییر برآمده از روی‌کار آمدن دولت پزشکیان به‌خوبی در راستای توسعه روابط منطقه‌ای بهره می‌برد و در این عرصه فعال‌تر از همیشه ظاهر شده است؛ موقعیتی که برای رقیب به بی‌فایده بودن هزینه قطع رابطه معنا می‌شود. اینچنین بود دیپلماسی مبتکرانه‌ای که درست در هنگامه اوج‌گیری تنش نظامی تهران و تل‌آویو از سوی سیدعباس عراقچی وزیر خارجه در قریب به اتفاق کشورهای عربی به اجرا درآمد، روی گشاده تهران را برای آغاز روند جدید دولت چهاردهم آشکار کرد؛ روندی که با توجه به تعدد موضوعات متعارض و احتمال بالای وجود تحریکات مخرب فرامنطقه‌ای، سهل و ممتنع به نظر می‌رسد اما آنطور که رضا نصری، کارشناس مسائل سیاست خارجی به «ایران» می‌گوید: شتاب بخشیدن به دیپلماسی منطقه‌ای برای حضور اثرگذارتر در ترتیبات جدید منطقه‌ای می‌تواند به سامان دادن هرچه سریعتر نظم جدید بینجامد و در روند مواجهه پیش‌روی ایران و امریکا همچون سدی در برابر هر سیاست تقابلی احتمالی در زمین منطقه باشد.

چرا توپخانه افراطی‌ها علیه تصمیم جدید در مورد توقف مازوت سوزی کار نمی کند؟

وفاق جامعه و دولت علیه رادیکال‌ها

گزارش

مرتضی گل پور
روزنامه نگار

«اگر قرار بود با شیوه‌های قبلی شرایط درست شود، درست می‌شد و روزبه‌روز بدتر نمی‌شد، بنابراین باید از آن روش‌ها و شیوه‌ها دست برداریم.» این سخن رئیس‌جمهور در جلسه رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی است. برداشت تحلیلگران این بود که این سخن بر شکست مدیریتی و شیوه‌های اجرایی کشور دلالت دارد و بیانگر این است که مدیریت به شیوه گذشته و تصمیم‌گیری به روال سابق، دیگر جوابگو نیست. اما بررسی بیشتر، به ما می‌گوید دلالت‌های این سخن پزشکیان فراتر از حوزه مدیریت و اجرایی کشور است، زیرا حوزه سیاست و فرآیندهای سیاسی جامعه هم درست مانند مدیریت و اجرا، دچار فرسایش و عقب‌ماندگی شده است. حوزه سیاست ایران اعم از کنش سیاسی، روش‌های رقابت سیاسی، مفاهیم، چهارچوب‌های ذهنی و رفتارهای حزبی و سیاسی در ۳۰ سال گذشته بدون تغییر مانده‌اند. همه چیز سیاست داخلی ایران ثابت و بدون تغییر مانده، اما جامعه تغییر کرده است. دلیل اینکه حوزه سیاست ایران دیگر آن نفوذ کلام و تأثیر سابق را در جامعه ندارند، وجود همین فاصله است. گویی جامعه و حوزه سیاست دو سر یک طیف هستند که هر یک به سمت مخالف حرکت می کند.

ثبات احزاب؛ تغییر جامعه

احزاب یا جریان‌های سیاسی، محصول شکاف‌های تاریخی و گوناگونی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هستند. احزاب به وجود می‌آیند تا منافع، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی را نمایندگی کنند، گروه‌هایی که بر پایه آن شکاف‌ها و ساختارها سامان می‌یابند. این تعریف از جریان‌های سیاسی به وضوع در دهه ۷۰ شمسی دیده می‌شد. اصلاح‌طلبان، عمدتاً ارزش‌ها و منافع طبقه متوسط را نمایندگی می‌کردند که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند. اصولگرایان هم منافع و دیدگاه‌های اقشار تاریخی‌تر و سنتی‌تر را نمایندگی می‌کردند. به این ترتیب، دوگانه ساختاری عمده در ایران (البته ساختار اجتماعی و سیاسی ایران تنوع بیشتری داشت) به یک دوگانه سیاسی هم تبدیل شده بود. بر پایه همین دوگانه، گفتمان‌های دوگانه اصلاح‌طلبی و اصولگرایی هم شکل گرفت، گفتمان‌هایی که در حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اجتماع یا سیاست خارجی دیدگاه‌های خود را داشتند. این دو جریان، برای تبیین مطالبات اقشاری که نمایندگی می‌کردند، ادبیات و مفاهیم خاصی داشتند. اما امروز یعنی سال ۱۴۰۳ قریب به ۳ دهه از آن دوره گذشته است. جامعه ایران بسیار دگرگون شده و تحولات و تغییرات بسیاری را به خود دیده است. اما احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در همان دهه ۷۰ باقی مانده و قدمی پیش نیامده‌اند. این ادعا که احزاب و جریان‌های سیاسی در ایران تغییر نکرده‌اند، با توجه به ادبیاتی که به کار می‌برند، صورت‌بندی آنان از مسائل کشور و بالاتر از آن، صورت‌بندی جامعه ایران قابل فهم است.

تغییراتی که جامعه ایران به خود دیده است

عمده تغییر جامعه ایران در ۳ دهه گذشته ناشی از تحولات اقتصادی است. تورم‌های مزمن و تحریم‌ها، دست‌کم به لحاظ اقتصادی باعث کوچک شدن طبقه متوسط شده است. هرچند این طبقه اکنون به صورت فرهنگی و اجتماعی اندازه سابق خود را حفظ کرده است. افزایش طبقات فرودست و افزوده شدن به ایرانیانی که زیرخط فقر زندگی می‌کنند، گسترش شدید ارتباطات و تبدیل فضای مجازی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی و در نهایت جابه‌جایی گروه‌های مرجع، تغییرات دیگری است که ایران در ۳ دهه گذشته تجربه کرده است. این تغییرات، باعث تغییر در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. به این ترتیب، اکنون تنوع و چندگانگی جامعه ایرانی، نه‌تنها بیشتر از دهه ۷۰ است، بلکه بر پایه آن، نیازها، چهارچوب ذهنی، آرزوها و سبک زندگی هم تغییر کرده است. این تغییرات اقتضا می‌کند احزاب ادبیات و چهارچوب فعالیت خود را با جامعه تطبیق دهند. یا اینکه می‌بایست احزاب و جریان‌های سیاسی جدیدی هم ایجاد شوند که بتوانند گروه‌های اجتماعی جدید ایران را نمایندگی کنند. این اتفاق نیفتاد. به رغم تغییرات سریع جامعه ایرانی، احزاب و جریان‌های سیاسی همچنان بدون تغییر مانده‌اند. احزاب جدیدی هم نیامده‌اند که نماینده نیازهای جدید باشند. این بدون تغییر ماندن، چیزی جز عقب افتادن حوزه سیاست از جامعه در حال دگرگونی نیست.

عملگرایی یا رفتار ایدئولوژیک

به ادبیات و حرف‌های فعالان سیاسی، اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب نگاه کنید. هنوز با همان دوگانه‌هایی عمل می‌کنند که در دهه ۷۰ رایج بود. اصلاح‌طلبان از ضرورت اصلاحات می‌گویند، بدون آنکه نیاز داشته باشند اصلاحات دهه ۷۰ را بر اساس اقتضائات قرن جدید بازتعریف کنند. اصولگرایان هم با استفاده از ادبیاتی مثل غربگرا، نفوذی، مدیریت اشرافی و مانند اینها با طرف مقابل رقابت می‌کنند. عمده تمرکز و تکیه این دو جریان بر گفتمان است؛ بر ادبیات، منظومه‌های فکری یا ایدئولوژیک. این در حالی است که جامعه ایرانی نه‌تنها از آن ادبیات و گفتمان‌های دوگانه صرف عبور کرده، بلکه در زندگی خود دیگر در پی سویه‌های ذهنی و ایدئولوژیک صرف نیست. جامعه به عملگرایی روی آورده است، آنچه در علوم سیاسی به پراگماتیسم معروف است. نیازهای جامعه دگرگون‌شده ایرانی، عینی است، نیازهای ملموس و معطوف به نفس زندگی. این در حالی است که رقابت یا نزاع جریان‌های سیاسی، نه با رویکرد به زندگی، بلکه با توضیح و تبیین گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های حزبی صورت می‌گیرد. جمله معروفی از «دنگ شیائو پینگ» رئیس‌جمهور تحولگرای چین وجود دارد که «فرقی نمی‌کند گربه سیاه باشد یا سفید، گربه باید بتواند موش بگیرد.» اما احزاب، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی ایرانی همچنان به دنبال اثبات سفیدی خود و سیاهی رقیب هستند. آنان هیچ برنامه مدون و مانیفست مشخصی برای نیازهای ملموس زندگی ایرانی ندارند.

> جمله معروفی از «دنگ شیائو پینگ» رئیس‌جمهور تحولگرای چین وجود دارد که «فرقی نمی‌کند گربه سیاه باشد یا سفید، گربه باید بتواند موش بگیرد.» اما احزاب، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی ایرانی همچنان به دنبال اثبات سفیدی خود و سیاهی رقیب هستند. آنان هیچ برنامه مدون و مانیفست مشخصی برای نیازهای ملموس زندگی ایرانی ندارند

کاهش شدید نفوذ سیاست بر جامعه

بار دیگر جمله پزشکیان را مرور کنیم: «اگر قرار بود با شیوه‌های قبلی شرایط درست شود، درست می‌شد و روزبه‌روز بدتر نمی‌شد، بنابراین باید از آن روش‌ها و شیوه‌ها دست برداریم.» رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی ایرانیان در هر انتخابات ناشی از تداوم شیوه‌های قبلی در حوزه سیاسی است. زیرا جامعه تغییر یافته ایرانی ناشناخته مانده و حزب یا گروهی نیست که بتواند به آن جهت دهد یا جهت آن را نمایندگی کند. بر همین اساس، دیگر به دشواری می‌توان براساس طیف‌بندی سیاسی مرسوم، توضیح داد که ایرانیان در هر انتخابات چه رفتاری در پیش می‌گیرند. زیرا دیگر احزاب و جریان‌های سیاسی، پیشرو و راهبر جامعه نیستند. این جامعه است که پیشاپیش حرکت می‌کند و احزاب را به راهی که می‌خواهد می‌برد. احزاب و جریان‌ها نه می‌توانند جریان سیاسی و انتخاباتی راه بیندازند، و نه طرحی نو به جامعه ارائه کنند. امروز تنها حاصل شیوه فعلی سیاست‌ورزی، جابه‌جایی‌های مدیرانی است که صرفاً به واسطه نزدیکی به احزاب و جریان‌ها به جایی می‌رسند. از این رو آنچه دیده می‌شود، صرفاً کاهش نفوذ حوزه سیاست در جامعه ایران است. از این شیوه سیاست‌ورزی آبی برای مردم گرم نمی‌شود، هرچند برای عده‌ای نان دارد. درست شبیه کسانی که تلاش می‌کنند با فعالیت سایبری در شبکه‌های اجتماعی، آن هم با تکیه بر دوقطبی‌های نخ‌نماشده اصولگرا و اصلاح‌طلب، در حوزه سیاست ایران عرض اندامی کنند. البته نمی‌توانند، چون پیوندی با ساختارهای عینی جامعه ندارند.

دیگه چه خبر؟

توضیح دیوان عدالت درباره رد شکایت علیه انتصاب ظریف

خبر اول اینکه، اخیراً یک فرد حقیقی درباره انتصاب محمد جواد ظریف به سمت معاونت راهبردی رئیس جمهور شکایتی را تنظیم کرد که دیوان عدالت اداری آن را رد کرد. دیوان در واکنش به ادعای فرد یاد شده در فضای مجازی، توضیحاتی را درباره چرایی رد شکایت منتشر کرد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، شکایت به عمل آمده قابل طرح در هیأت عمومی نبوده و باید وفق ماده ۳ قانون دیوان در شعب بدوی مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد. همچنین با توجه به مطالب ذکر شده در مورد مرجع صالح رسیدگی به شکایت، موضوع در راستای مقررات حاکم به یکی از شعب ارجاع و وفق مقررات رسیدگی قانونی به عمل آمد. در شکایت مطرح شده نسبت به انتصاب به عمل آمده توسط ریاست جمهوری اسلامی ایران، قاضی رسیدگی کننده به موضوع باید سمت و نفع شاکی را احراز می‌کرد اما بر اساس مفاد رأی صادره از شعبه بدوی و بر اساس استدلال منطبق بر موازین قانونی (که بخشی از آن مورد اشاره قرار گرفت) شکایت مردود اعلام شده است.

مواضع گزینه احتمالی وزارت خارجه ترامپ درباره ایران

خبر دیگر اینکه، براساس گمانه‌زنی‌های رسانه‌های امریکایی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب این کشور بزودی سناتور «مارکو روبیو» از فلوریدا را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی خواهد کرد. بنابر اعلام نیویورک تایمز، روبیو که در سال ۲۰۱۰ به مجلس سنای امریکا راه یافته، به عنوان یک سیاستمدار تندرو در سیاست خارجی شناخته می‌شود و پیشتر، مواضع تندی علیه چین، ایران، ونزوئلا و کوبا اتخاذ کرده است. اخیراً نیز روبیو حمایت قاطعانه‌ای از جنگ اسرائیل در غزه داشته است.

او در پاسخ به یک فعال صلح که درباره تلفات غیرنظامیان فلسطینی پرسیده بود، گفته بود که «حماس ۱۰۰ درصد مقصر است.» با این حال، جاری ساختن دوباره راهبرد «فشار حداکثری» علیه ایران که در دولت اول ترامپ اتخاذ شده بود، همچنان محل بحث محافل دیپلماتیک داخلی و خارجی است. بویژه آنکه شرایط بین‌المللی در سال‌های اخیر از جمله در منطقه غرب آسیا و همچنین پدیدآمدن ائتلاف‌های نوظهور همچون بریکس، معادلات سابق را تغییر داده است.

یک رسانه امریکایی: ترامپ چک سفید به نتانیاهو نمی‌دهد

دست آخر اینکه، یک رسانه امریکایی به نقل از منابعی گزارش داد نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با چاپلوسی برای رئیس‌جمهور منتخب امریکا می‌خواهد به اهداف خود مبنی بر تغییر ساختار منطقه دست پیدا کند اما ترامپ که ظاهراً قصد خاتمه جنگ و ناآرامی‌ها در غرب آسیا را دارد، نمی‌خواهد یک چک سفید به نتانیاهو بدهد. این نشریه خط فکری نتانیاهو را اینگونه تحلیل می‌کند که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با برجسته‌سازی ادعاهایی علیه ایران قصد دارد دونالد ترامپ را وسوسه کند تا به رویارویی با ایران بپردازد و از جاه‌طلبی‌های نتانیاهو مبنی بر مقابله با ایران حمایت کند.

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۰۱-۰۸-۱۴۰۳
شرکت صنایع شیر ایران (پگاه) در نظر دارد خدمات بیمه تکمیل درمان و عمر و حوادث گروهی کارکنان، بیمه‌نامه آتش‌سوزی، مسؤولیت، باربری، وجوه در صندوق، لیفتراک و تانکر، ثالث و بدنه خودرو، به شرکت‌های بیمه معتبر و مورد تأیید بیمه مرکزی ایران واگذار نماید. لذا بدین‌وسیله از کلیه متقاضیان واجد صلاحیت دعوت می گردد در صورت تمایل، برای خرید اسناد مناقصه و تکمیل و ارائه پیشنهادها حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ به واحد حراست شرکت به نشانی تهران - خیابان آفریقا - پایین‌تر از چهارراه حقانی (جهان کودک) - نبش خیابان بیست و سوم - شماره ۶۰ طبقه سوم تلفن: ۸۸۶۶۱۱۲۳-۰۲۱ مراجعه نمایند.
شرکت در رد یا قبول تمام یا برخی از پیشنهادها مختار است.
کلیه هزینه‌های مربوط به مناقصه بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
تحویل اسناد مناقصه، منوط به ارائه معرفی‌نامه کتبی همراه با امضای مجاز و مهر شرکت می‌باشد.

رایتل Rightel
مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
خرید، نصب و راه‌اندازی سرور
به شماره ۲۱۸
شرکت خدمات ارتباطی رایتل در نظر دارد در راستای حمایت از توان تولید داخلی، نسبت به خرید، نصب و راه‌اندازی سرور مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و به شرح مندرج در اسناد مناقصه، اقدام کند.
بر این اساس از تمامی اشخاص حقوقی دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه، حداکثر تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ به بخش "مناقصه" در سامانه معاملات الکترونیکی رایتل (سمارای) به نشانی https://sama.rightel.ir مراجعه کنند.
تضمین شرکت در مناقصه (ضمانت‌نامه بانکی / چک تضمین‌شده بانکی):
● مبلغ: ۳۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (سی و سه میلیارد) ریال
زمان و مکان تحویل پیشنهاد: حداکثر تا ساعت ۱۷ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ به نشانی تهران، خیابان ولی‌عصر (عج) روبه‌روی پارک ملت، خیابان استاد نجف دریابندری (ارمغان غربی سابق) تقاطع مهرداد، پلاک ۸، دبیرخانه حراست
راه‌های ارتباطی جهت کسب اطلاعات بیشتر
۰۲۱-۲۷۶۵۴۶۰۹
Tenders@rightel.ir